

جنایای روان‌شناسی

هیچ کس از مادر مجرم متولد نمی‌شود؛ خداوند همه‌ی بندگان خود را پاک و بی‌آلایش می‌آفریند. انسان در دوران اولیه‌ی زندگی خود، معصوم است و اگر به گناهی آلوده شود، از محیط خانوادگی، اجتماعی و پرورشی اوست زیرا انسان، ساخته و پرداخته‌ی بنیادهای خانوادگی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و روابط و مناسبات اجتماعی جامعه‌ی خویش است یا به عبارتی دیگر، چگونگی رفتار و شخصیت افراد، بیش‌تر به چگونگی محیط اجتماعی، اقتصادی و تربیتی آنان بستگی دارد؛ پس ریشه‌های این علل و عوامل نابهنجاری‌های اجتماعی از قبیل سرقت، اعتیاد، ضرب و جرح، تجاوزات فردی و گروهی، فحشا و قتل، باید مورد مطالعه قرار گرفته و با از بین بردن آن‌ها، به کاهش این‌گونه بیماری‌های اجتماعی اقدام نمود. باید به این واقعیت نیز توجه کرد که جرم و جنایت (بیماری‌های اجتماعی) نیز مانند بیماری‌های جسمی، مُسری هستند و اگر از ابتدای وقوع جرم، به فکر اصلاح و از بین بردن علل ارتکاب جرم نیفتیم، ممکن است به دیگران نیز سرایت کند.

همان‌طور که در بحث اجتماعی‌شدن فرد یا جامعه‌پذیری انسان مطرح است، هر نوع واکنش اجتماعی و رفتار و عملی که از انسان سر می‌زند، از شرایط اقتصادی و محیط اجتماعی و پرورشی فرد ناشی می‌شود و به خصوصیات جسمانی و ارثی او بستگی ندارد.

بنابراین در مورد شناخت جرم به‌عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی که ترکیب و پیچیدگی خاصی دارد، باید آن را عمیقاً مورد توجه قرار داد و سعی کرد علت‌های گوناگونی که موجب ارتکاب آن‌گونه اعمال می‌شوند را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد و راه‌حلی درست برای جلوگیری از ارتکاب بیش‌تر جرایم، ارائه نمود.

اقدام به عملی که برخلاف موازین و مقررات و معیارهای ارزش فرهنگی هر جامعه‌ای باشد،

جرم‌شناسی، یکی از شاخه‌های حقوق کیفری یا انسان‌شناسی کیفری است که بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰ با تحقیقات علمی و آثار محققان علوم انسانی چون «ممبروز» ایتالیایی و «انریکوفری» فرانسوی، سخت مورد توجه دانشمندان علوم انسانی واقع‌شد. مطالعه در زمینه‌ی جرم‌شناسی، ابتدا جنبه‌ی عمومی داشت یعنی بیش‌تر مطالعات، حالت تطبیقی و مقایسه‌ای در جوامع مختلف داشته و نتایجی که از این مقایسه حاصل می‌شد، مورد توجه آنان قرار گرفت. بعدها از طریق مطالعات آماری و اجتماعی، سعی کردند مسائل و مشکلاتی که ارتکاب این‌گونه

جرایم را برای مردم ایجاد می‌کردند، مورد مطالعه قرار

دهند تا بتوانند از طریق جرم‌شناسی بالینی و

جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، به علل

ارتکاب جرایم توجه نموده و راه درمانی

برای جلوگیری از ارتکاب هرچه بیش‌تر

جرایم پیدا کنند.

برخی، ارتکاب جرم را نیز مانند سایر

خصوصیات جسمانی که از طریق وراثت

قابل انتقال است، از نسلی به نسل دیگر

قابل انتقال می‌دانند و می‌گویند فرزندان

والدین مجرم، از طریق «وراثت» مرتکب

جرم خواهند شد. چنان‌چه این نظریه‌ی نادرست

را صحیح فرض کنیم، پس مجازات و کیفیت

فرزندان باید از بین برود چون آنان که خود

نقشی در ارتکاب جرایم خویش ندارند و این حالت

نابهنجار را از والدین خود کسب کرده‌اند و جامعه نباید

واکنش نامساعدی در برابر آنان داشته باشد؛ درست مانند فرزند

معلولی که از والدینش، علیل بودن خویش را به ارث برده و خود در

ایجاد آن گناهی ندارد؛ بنابراین نه‌تنها این نظریه نادرست است، بلکه

آن‌که می‌تواند، انبام می‌دهد؛ آن‌که نمی‌تواند، انتقاد می‌کند. «پورچ برنارد شو»

در محراب درون!

پشت پنجره نشستی؛ پرده را هم کشیدی؛ پرده را کنار بزن تا بتوانی روز را آن‌گونه که هست، بینی و شب را حس کنی و شاهد از راه رسیدنش باشی؛ شاهد وقتی در روشنایی روز نفوذ می‌کند. درمی‌یابی هر چیزی در زمان و لحظه‌ی مناسب فرامی‌رسد. سکوت کن و شاهد باش تا حقیقت را دریابی.

باغبانی شاهد باش!

در محراب قلبات، گل‌های رز صورتی و معطری در حال شکفتن هستند. گل‌های معطر رُز، عشق الهی‌اند و مباد خارها به انگشتانت فرو رود و آزرده گردی؛ خارها چیزی جز منیت و خودخواهی نیستند.

باغبان باش! گل‌های رز را با عشق آبیاری کن؛ عشقی خالص و پاک، تا گل‌ها شکوفا شوند و عطر ناب گل‌ها تمام وجودت را معطر سازد. این عشق ما به یکدیگر است که تو و من را به هم پیوند می‌دهد. عشق آن نیست که حفظ کنی، بلکه برای دادن است؛ پس عشق بورز و بیش از آن‌چه بخشیدی را بستان.

مهناز عابدیان

مشاور تکنیک‌های آرامش



در آن جامعه، «بزهکاری» یا «جرم» تلقی می‌گردد و کسانی که مرتکب چنین اعمال خلافی می‌گردند، «مجرم» یا «بزهکار» نامیده می‌شوند.

علل گسترش جرایم

■ توجه به ارزش‌های مادی و بی‌توجهی نسبت به امور معنوی و اخلاقی: در جامعه‌ای که ارزش انسان به میزان ثروت و دارایی اوست نه به میزان آگاهی و فکرش، هرکسی برای کسب موقعیت اجتماعی، به هر طریقی که شده، حتی از راه نامشروع، درصد کسب پول بیشتر است و حتی به‌خاطر به‌دست‌آوردن پول بیشتر، ممکن است مرتکب جرایمی چون قتل شود تا موقعیت اقتصادی خود را تثبیت کند.

■ نمایش فیلم‌های جنایی تلویزیونی، صفحات حوادث مطبوعات و رمان‌های پلیسی و جنایی: بسیاری از مجرمان جوان سعی کرده‌اند خود را به‌جای هنرپیشه‌های فیلم‌های جنایی بگذارند و اعمال آنان را تقلید کنند. ■ مهاجرت و شهرگرایی روستاییان: پس از مهاجرت به شهر، به‌سختی می‌توانند خود را با قوانین و شرایط زندگی شهری و از همه مهم‌تر، فرهنگ جامعه سازگار نمایند.

■ توجه به معیارهای ارزش مادی و مقام‌پرستی، به‌جای توجه به حیثیت معنوی و انسانی

■ محیط پرورشی نامساعد: به بیکاری و ولگردی افراد کمک می‌کند و ولگردی به نوبه‌ی خود، به ازدیاد ارتکاب جرایمی منجر می‌شود و یا چنان‌چه والدینی که مجرمین حرفه‌ای هستند، اگر فرزندان‌شان را خود پرورش دهند، امکان ارتکاب جرایم آنان از طریق روش‌های تربیتی نادرست والدین‌شان وجود دارد.

راه کارهای ارائه شده:

■ برای جلوگیری از ازدیاد ارتکاب جرایم در هر جامعه‌ای، ابتدا باید محیط اجتماعی و نوع جرم را شناخت و به علل آن توجه کرد تا از طریق آموزش صحیح و ایجاد محیط سالم و بازآموزی، روش زندگی درست را از طریق تعلیم حرفه‌ای خاص که مورد نیاز جامعه باشد، به آنان یاد داد چون «بیکاری»، یکی از عوامل ارتکاب جرم است.

■ ایجاد امکانات درمانی در مؤسسات درمانی از طریق بحث درباره‌ی مسائل اجتماعی زندگی مجرمان و نشان دادن زندگی صحیح به آنان با شرکت و اظهار نظر مجرمان در گروه‌درمانی که شامل مددکاری اجتماعی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و جامعه‌شناسی است، به‌نوبه‌ی خود، روش صحیح زندگی را به آنان یاد می‌دهد و شانس بازگشت‌شان را به جامعه و زندگی عادی، بیش‌تر می‌کند.

منبع: «روان‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی» «دکتر محمدحسین فرجاد»

مهناز پیرجدی

کارشناس روان‌شناسی